

نویسنده : م.ک. بهادر اکمار «M.K.Bhadrakumar».
منبع و تاریخ نشر : اندیا پانچیلا «2025-06-04».
برگردان : پوهندوی دوکتور سید حسام «مل».

تیم تحت هدایت پاندا از غرب آسیا بازگشت

Panda-led team returns from West Asia



رئیس جمهور سوریه احمد الشراخ (L) با رئیس جمهور ایالات متحده دونالد ترامپ (R)، در ریاض، عربستان سعودی، در 14 مه 2025 دیدار کرد



**خرس پستانداری بزرگ، سیاه و سفید که در جنگل‌های چین زندگی می‌کند .
پانداها بامبو «نی هندی» می‌خورند .**

هیئت چند حزبی به رهبری بیجایانت پاندا، معاون رئیس و سخنگوی حزب **بهاراتیا جاناتا**، که برای جلب حمایت از جنگ دولت علیه تروریسم علیه پاکستان به چهار کشور در منطقه خلیج فارس - عربستان سعودی، کویت، بحرین و الجزایر - سفر کرده بود، بازگشته است. طبق گزارش رسانه‌ها، اس. جایشانکار، وزیر امور خارجه، «از تلاش‌های آنها تقدیر کرد».

این مهمترین هیئت از پنج هیئتی بود که دولت برای بسیج افکار عمومی بین‌المللی اعزام کرد. اخبار خلیج فارس «تأثیر مردمی» زیادی در سیاست داخلی هند دارد.

یکی از اعضای تیم پاندا گفت: «ما به وزیر امور خارجه اطلاع دادیم... که قدرت و جایگاه اقتصادی رو به رشد هند در نظم جهانی، که توسط تلاش‌های دیپلماتیک نخست‌وزیر نارندرا مودی در طول دوران تصدی و سفرهایش به چندین کشور تضمین شده است، در تصمیم جهان برای ایستادن در کنار ما به عنوان شریک، چه در تجارت بین‌المللی و چه در موضوع عدم تحمل در برابر تروریسم، کلیدی است.»

غرب آسیا «همسایگی گسترده» هند است. و دیپلماتی غرب آسیا در هند، نشان مودی را با خود دارد. به همین دلیل، یک وزیر امور خارجه سابق در تیم پاندا برای هدایت این ماموریت دشوار گنجانده شد. چیزی که به ذهن می‌رسد این است که چالش پاندا شبیه به چالش نیکیتا خروشچف به عنوان کمیسر ارتش سرخ در جبهه استالینگراد در جنگ جهانی دوم بود. خروشچف بر سر فرماندهان ارتش ۶۲ و ارتش ۶۴ در جبهه استالینگراد فریاد زد: «رفقا، این یک شهر معمولی نیست. این استالینگراد است. نام رئیس را یکدک می‌کشد.» ژنرال‌ها پیام را دریافت کردند و به سرکوب لشکرهای زرهی نازی ادامه دادند و روند نبرد استالینگراد را تغییر دادند، نبردی که هنوز هم به عنوان خونین‌ترین و سهمگین‌ترین نبرد در کل جنگ جهانی دوم - و مسلماً در تمام تاریخ بشر - به یاد آورده می‌شود.

اما پاندا چنین گزینه‌ای نداشت. هیئت او با استقبال گرمی روبرو شد. اما واقعیت عمیقاً نگران‌کننده همچنان ادامه دارد، یعنی رژیم‌های خلیج فارس رویکردی «ظاهری» دارند، سخنان کلیشه‌ای در مورد تروریسم بیان می‌کنند، اما در عین حال این نظر جهانی رو به رشد را تکرار می‌کنند که هند و پاکستان باید از طریق گفتگو و مذاکره برای مسائل خود راه‌حلی پیدا کنند.

کشورهای خلیج فارس به طور مرتب از نقش ادعایی پاکستان در پاهلگام طفره رفته‌اند. آنها «مدرک» می‌خواهند! ظاهراً دیپلمات ارشد یک کشور دوست چند روز پیش در یک گفتگوی خصوصی به عنوان حاشیه اظهار داشت که بررسی فیزیکی دین قربانیان توسط تروریست‌های پاهلگام در شبه قاره چیز جدیدی نیست و به قطار خوشحالت سینگ برای ارجاع اشاره کرد.

هیئت پاندا چه چیزی را به ارمنان آورده است؟ آیا این یک داستان موفقیت آمیز است؟ یکی از اعضای هیئت بعداً در مصاحبه‌ای با رسانه‌ها گفت: «هر کشوری که ما از آن بازدید کردیم، پیش از این بیانیه‌هایی در محکومیت حادثه تروریستی پاهالگام صادر کرده بود - این بیانیه‌ها توسط آنها شخصاً به ما تکرار شد.» اما این مانند اختراع دوباره چرخ است.

سوال عمیقاً نگران‌کننده‌ای در اینجا مطرح می‌شود، به خصوص که شمارش معکوس برای لحظه حضور ششی تارور در واشنگتن آغاز شده است. تارور همچنین یک مأموریت چالش‌برانگیز دارد. پس از آن همه دهه حضور در سازمان ملل که در آن کار روابط عمومی را انجام می‌داد، این باید یک تجربه جدید باشد - مذاکره واقعی به عنوان یک حامل پرچم.

هیچ مقام ارشد آمریکایی تاکنون حاضر به نام بردن از پاکستان نشده است - مطمئناً، نه ترامپ. آنها تعجب خواهند کرد که چگونه این لیبرال نئوکان پر زرق و برق از دهلی و یک نماینده فصیح جهانی‌گرایی در نشریات آمریکایی در تمام این سال‌ها کوچک شده و به سایه‌ای کم‌رنگ از خود تبدیل شده است.

چه کسی در قرن بیست و یکم از تروریسم می‌ترسد؟ ما در عصری هستیم که تروریسم به سلاحی ترجیحی برای جنگ‌های ترکیبی تبدیل می‌شود. ترامپ اخیراً با احمد الشرع، رهبر سابق و بی‌رحم القاعده که مرتکب جنایات غیرقابل وصفی علیه بشریت شده بود، دست داد و تأکید کرد که تروریست دیروز می‌تواند متحد کلیدی فردا باشد.

اینکه القاعده در واقع ساخته و پرداخته آمریکایی‌ها است، برای همه شناخته شده است، اما ترامپ آشکارا خود را به عنوان یکی از تحسین‌کنندگان الشرع معرفی کرد و در ۱۴ مه در یک کنفرانس محرمانه شورای همکاری خلیج فارس در ریاض، پس از دست دادن با این سوری قدبلند و ۱۸۲ سانتی‌متری، به شیوخ خلیج فارس گفت: «او یک «مرد جوان و جذاب» است. مردی سرسخت. گذشته‌ای قوی. گذشته‌ای بسیار قوی. مبارز.» ترامپ افزود: «او شانس واقعی برای حفظ اتحاد [سوریه] دارد. او یک رهبر واقعی است. او رهبری یک حمله را بر عهده داشت و بسیار شگفت‌انگیز است.»

بهتر است ترامپ در خوش‌بینی خود درست بگوید، زیرا کل قمار او در شرط‌بندی روی یک متحد سابق القاعده برای تغییر شکل غرب آسیا، یک سرمایه‌گذاری پرخطر است که توسط عربستان سعودی و قطر تأمین مالی می‌شود، که تا زمانی که ترامپ به تاریخ بپیوندد، در تمام این ماجرا مسیری برای کاشتن بذره‌های وابسته به یک دولت وهابی سوم که از آنها در مهد تمدن اسلامی الگوبرداری شده است، می‌بینند.

در اوکراین نیز، تروریسم سلاح ترجیحی قدرت‌های غربی برای خونریزی روسیه در جنگ نیابتی خود است، زمانی که در فناوری نظامی و صنعت تولید دفاعی نمی‌توانند با

روسیه رقابت کنند و دیگر قادر به جنگ قاره‌ای نیز نیستند. پیام آشکاری که از حملات دو روز پیش به دارایی‌های نظامی روسیه با پشتیبانی فنی ماهواره‌های ناتو - و احتمالاً استارلینک ایلان ماسک - بیرون می‌آید این است که تروریسم می‌تواند یک عامل تغییر دهنده بازی در ژئوپلیتیک باشد.

بنابراین، تمام این کمپین جهانی دولت ما علیه پاکستان ممکن است در داخل کشور خوب به نظر برسد، زیرا رسانه‌های ما وظیفه‌شناسانه آن را تبلیغ می‌کنند، اما سود خالص دیپلماسی چیست؟ حتی اگر تمام جهان اکنون پاکستان را در کنار ایالات متحده، بریتانیا، عربستان سعودی یا قطر به عنوان یکی دیگر از کشورهای حامی تروریسم، خب که چی؟ چه اهمیتی دارد؟

روزنامه‌های امروز گزارش داده‌اند که طبق فهرست روسای نهادهای فرعی سازمان ملل که بر تروریسم بین‌المللی نظارت دارند، پاکستان به عنوان رئیس مشترک کمیته تحریم طالبان شورای امنیت سازمان ملل برای سال ۲۰۲۵ و کمیته مبارزه با تروریسم، سمت‌های مسئولیت‌پذیری دارد. پاکستان همچنین رئیس مشترک گروه‌های کاری غیررسمی در مورد اسناد و سایر سوالات رویه‌ای و همچنین مسائل عمومی تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل خواهد بود.

چگونه ممکن است مرکز ادعایی تروریسم بین‌المللی، ناظر و تصمیم‌گیرنده در مورد مبارزه با تروریسم و تحریم‌ها در یک نهاد جهانی باشد؟ واضح است که افکار عمومی بین‌المللی، انتقادات تند هند علیه پاکستان را که در حال حاضر عضو غیردائم منتخب شورای امنیت نیز هست، نادیده می‌گیرد.

از سوی دیگر، به لطف دولت بایدن و فایو آیز، در سال‌های اخیر این تصور تقویت شده است که دولت هند به عنوان یک موضوع سیاسی، از ترور مخالفان سیاسی در خارج از کشور حمایت می‌کند. ما نه تنها متحمل برخی «آسیب‌های اعتباری» شده ایم، بلکه ادعای پاکستان مبنی بر اینکه خود نیز قربانی تروریسم است، قوت گرفته است. کشورها به نظر می‌رسد که هند را با پاکستان پیوند می‌دهد. وقتی قطاری در بلوچستان از ریل خارج می‌شود یا یک بمب دست‌ساز کاروان ارتش پاکستان را منفجر می‌کند یا یک جهادی بدنام در خیابان‌های لاهور و کراچی به مرگ غیرطبیعی دچار می‌شود، دهلی باید از مسئولیت شانه خالی کند.

این در حال تبدیل شدن به یک چرخه معیوب است که فقط به جلب توجه به مشکل حل نشده کشمیر به عنوان تهدیدی برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی کمک می‌کند. به عبارت دیگر، «تروریسم» در زمینه هند و پاکستان به همبسته عینی مشکل کشمیر و درگیری هندو-مسلمان تبدیل شده است. اظهارات تند ترامپ در مورد جنگ هزاره خود گویای همه چیز است.

زمان آن رسیده است که «جنگ علیه تروریسم» از جعبه ابزار دیپلماتیک ما حذف شود. مطمئناً نمایندگان مجلس ما نقشی در آن ندارند. در مورد ظاهر سازی در داخل کشور، به ابزارهای دیگری متوسل شوید. به هر حال، با تروریسم با زور برخورد کنید - اگر واقعاً کمکی می‌کند. آنچه جوزف نای «قدرت هوشمند» می‌نامد را به کار بگیرید. اما نه انتظار حمایت خارجی داشته باشید و نه برای آن تبلیغ کنید

----- **با تقدیم احترامات** «2025-06-11»

